

در این شماره می‌خوانیم:

- کلید زنگ‌زده
- قاب خاطرات او
- مبارزات سیاسی امام سجاد علیه السلام
- فواید و مضرات بازی‌های رایانه‌ای بر دانش‌آموزان

باز این چه پست که انبیاست  
باز این چه پست که پادشاهان است

باز این چه پست که پادشاهان است  
باز این چه پست که انبیاست









اگر فرهنگ اسلامی بر جامعه‌ای حاکم باشد،  
همه‌ی مردم باید خود را مدیون معلم بدانند.

۱۲/۰۲/۱۳۸۳



## شناسنامه نشریه

صاحب امتیاز: حوزه بسیج دانشجویی دانشگاه

فرهنگیان آذربایجان شرقی

مدیر مسئول: میر اصغر شمسی

سردبیر: محمد صالحی اول

مدیر اجرایی: الهه طهمزی

طراح جلد: احسان پیر

صفحه آرا: علی شبانی

ویراستار: الهه طهمزی

روابط عمومی: میر اصغر شمسی

گوینده: فاطمه کلانتری

دبیر واحد فرهنگی-اجتماعی: زهرا متقی

دبیر واحد سیاسی: رقیه شاکر

دبیر واحد تعلیم و تربیت: شیوا اسمعیلی

هیئت تحریریه: دکتر حیدر پیرعلیلو، فاطمه

آقازاده، زهرا متقی، خدیجه عبدالهی، عرفان

دادخواه، غلامرضا جلیلی نژاد خیابانی، سالار

نصیری، توحید اسدزاده، آیلار عباسپور، لیلا

محمدیان، هادی آقاپور، رقیه شاکر، راضیه شاکر،

ریحانه حسنزاده



journal.qalam@gmail.com



@qalam\_journal

## فهرست مطالب

کلید زنگ زده ..... ۱۵

مرهم سینه‌های سوخته ..... ۱۶

مشروطیت ..... ۱۷

پیوند دین و سیاست در نهضت عاشورا ..... ۱۸

تقلب مفید ..... ۱۹

انتقال خون ..... ۲۰

مثل در غلطان ..... ۲۱

قاب خاطرات او ..... ۴

مبارزات سیاسی امام سجاد علیه السلام ..... ۶

فواید و مضرات بازی‌های رایانه‌ای بر دانش‌آموزان ..... ۸

جاده ..... ۹

«الف تا» رویدادی برای تحول مدرسه ..... ۱۰

علل و پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد ..... ۱۲

نگاهی بر فصل دوم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ..... ۱۴





## سخن مدیر مسئول

بسم رب الحسین (ع)

ما پرچم خونین حق طلبی مولایمان علی را به دوش می کشیم بی آنکه او را دیده باشیم. ما سلمان پارسی و بلال حبشی را از اعماق قلبمان می ستاییم گرچه هرگز ایشان را ندیده ایم. شرط اعتقاد به رهبری، دیدن شخص رهبر نیست؛ بلکه دیدن نتایج اعمال اوست. شرط پیوستن به یک نهضت، ملاقات با سران آن نهضت نیست بل برداشتن محصول مبارزه‌ی افراد آن نهضت است.

آقای ما حسین برای این حسین نشده است که ما او را دیده ایم؛ دستش را بوسیده ایم؛ در آغوشش گرفته ایم؛ خاک پایش را سرمه چشمانمان کرده ایم یا او از نقشه‌هایی که برای رهایی فرزندان‌ش دارد چیزهایی به ما گفته. نه؛ ما حسین را دوست داریم به خاطر آنکه با نام او عطر نجابت در فضا پراکنده می شود؛ عطر ایمان و عطر مقاومت در برابر ظلم از این سو تا آن سوی جهان؛ از زمین تا ستارگان...

حتی اگر حسینی هم وجود نداشت این عطر حسینی پیچیده در فضا کافی بود تا ما را به ارادت حسین و مرکز شهادت بکشاند. این که دست من هرگز به قبای حسین نمی رسد و به خاطر او شمشیر می زنم و به هوای وصل او با کورکورانه‌ی می جنگم، حسین را حسین نگه می دارد.

حسین، حسین نشد برای آنکه آفتاب حضورش سرمازدگان بی پناه را گرم کند؛ داغ کند و بسوزاند؛ بل حسین شد به خاطر حضور ازلی اش در ذهن هرکس که می خواهد در راه عدالت شمشیر بزند.



# قاب خاطرات او

سالار نصیری دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، پردیس علامه امینی تبریز

او را من این بار یافته بودم، لکن در کنج خلوتِ کوچه خاطرات  
لعن بر این مرده خاطرات!  
او را طفل آهوئی یافته بودم در ذروه کوه قاف قلبم  
عشوه‌گرو طالب ناز  
سکوت، تمام سخن او بود  
شایدم مست تمنا بوده او.  
او را من شب‌نمی یافته بودم با طراوت  
که در سکوت کرکننده پگاه  
روی سینه گل می‌نشیند  
طراوتی شگرف دارد این قطره شفاف  
اما افسوس که  
ترسش از باد است  
شاید که فرو ریزد و گل نعره‌زنان آید  
می‌لغزد و می‌لغزد  
سردش شده انگار او





# قاب خاطرات او

سالار نصیری دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، پردیس علامه امینی تبریز

لکن مهرگل حریری است بر روی تن یخ زده او  
گرما بخش ثانیه هایش شده.

الحال او را در بین جمعی از فاخترگان خوش الحان دیده ام  
بر روی شاخه ای نازک  
روی درختی خشکیده

یا روی خاشاکِ خش خش کنان، چه چه کنان دیده امش  
شایدم او را خاری از خار مغیلان دیده ام.

من او را در کلبه ای میان انبوه درختان، تنهای تنها دیده ام  
که صاحب و ساکنی جز غم ندارد

و این را جدارهای ترکیده از فرط بی قراری گواه می دهند  
و حالا این نقطه شروع دنیای تنهایی است

انقلاب تنهایی یا زندان؟؟؟

بگذار روح انتخاب کند!

وادی، پراز زمزمه است

زندان یا زندان؟؟؟





# مبارزات سیاسی امام سجاد علیه السلام

رقیه شاگرد دانشجوی کارشناسی آموزش ریاضی، پردیس فاطمه الزهراهای تبریز

امام نیز به دلیل رعب و اختناق شدیدی که در جامعه حکم فرما بود و با کنترل و تسلط شدیدی که حکومت اموی برقرار ساخته بود، می‌دانستند که قیام در این برهه محکوم به شکست است و نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. به همین دلیل با سیاست نظامی خداحافظی کرد و شیوه‌ای جدی برای کنشگری سیاسی و تجدید حیات اسلام و بازآفرینی جامعه‌ی اسلامی برگزیدند.

از آن‌جا که در زمان امامت ایشان شرایط اختناق‌آمیزی حکم فرما بود، امام نمی‌توانست مفاهیم مورد نظر خود را به صورت صریح بیان کند. به همین خاطر مردم را از طریق شیوه‌ی موعظه، با اندیشه‌ی درست اسلامی آشنا می‌کرد. اهمیت و ضرورت ارشادهای امام سجاد (ع) به خاطر انحطاط اخلاقی امت در زمان حکومت عبدالملک و پسرش ولید و متروک شدن سنت‌ها، آداب و تعالیم اسلامی در آن عصر، بسیار قابل توجه است.

همچنین امام بسیاری از اهداف و مقاصد خود را در قالب دعا و مناجات بیان می‌نمود که بهترین شیوه‌های تبیین معارف بلند اسلام است. کتاب صحیفه سجادیه، زاینده اندیشه‌های بلند معرفت‌شناسی امام سجاد است و پس از قرآن مجید و نهج البلاغه، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین گنجینه‌ی گران‌بهای حقایق و معارف الهی به شمار می‌رود.

علی بن حسین (ع)، ملقب به سجاد، فرزند امام حسین (ع)، چهارمین امام شیعیان است که ۳۵ سال امامت مسلمانان را به عهده داشت. ایشان در محرم سال ۶۱ هجری، در جریان قیام و شهادت پدرش حسین (ع) در سرزمین کربلا حضور داشت و بازمانده‌ی کاروان به‌خون‌غلتیده‌ی کربلا بود که بار سنگین امامت را در دوران ظلم و خفقان به دوش کشید و در چنین شرایطی برای تداوم بخشیدن به مبارزه، علاوه بر بنیان‌گذاری نهضت اهل بکاء و گریه بر مصائب امام حسین (علیه السلام)، کنشگری‌های سیاسی مؤثری داشت.

برخی از افراد ناآگاه امام را به عنوان فردی بیمار می‌دانند؛ لیکن باید دانست که حضرت امام سجاد (علیه السلام) به غیر از ایام عاشورای سال ۶۱ هجری و در حدود ۳۵ سال بعد از آن، از سلامت کامل جسمی برخوردار بوده‌اند و بی‌شک بیماری موقت آن حضرت، عنایت خداوندی بوده است تا بدان وسیله از جهاد معذور بمانند و امر امامت را پس از شهادت پدر بزرگوارشان بر عهده بگیرند.

امام سجاد (علیه السلام)، امامت را به صورت مخفی و با تقیّه شدید و در زمانی دشوار به عهده گرفت. دوران امامت ایشان مصادف با یکی از سیاه‌ترین ادوار حکومت در تاریخ اسلام، یعنی حکومت عبدالملک بود که آشکارا به دین اسلام و مقدسات توهین کرده و احکام اسلامی را زیر پا می‌گذاشت و برای امام سجاد (ع) تنگناهای بسیار شدیدی ایجاد کرده بود.



# مبارزات سیاسی امام سجاد علیه السلام

رقیه شاکر دانشجوی کارشناسی آموزش ریاضی، پردیس فاطمه الزهرا تهریز

حسین (ع) مهم‌ترین مطالب آن بود. خطبه‌ی امام (ع) چنان در عمق روح و جان مردم نفوذ کرد که ناگهان از هر سو صدای شیون و ندای ندامت بلند شد و مردم همگی از آن حضرت اعلام حمایت نموده و از دشمنان آنان برائت جستند.

خطبه‌ی شام: یکی از حساس‌ترین سخنان امام سجاد (علیه السلام) که تحولی عظیم در بینش مردم نسبت به امویان ایجاد کرد و معادلات یزید را بر هم زد، خطبه‌ای است که آن حضرت در جمع مردم و رجال سیاسی و دینی شام ایراد کردند. این خطبه که در مسجد شام ایراد گردیده، اوج

موفقیت امام سجاد (علیه السلام) در ابلاغ رسالت و تبلیغ عاشورا و تداوم خط شهیدان کربلاست.

خطبه‌ی مدینه: هنگامی که کاروان امام سجاد (ع) به نزدیکی مدینه رسید، مردم مطلع شده و به استقبال آن‌ها آمدند. امام (ع) در میان آن‌ها خطبه‌ی شورانگیزی ایراد فرمودند و در ضمن آن، صحنه‌ی جان‌گداز عاشورا و جنایات بنی‌امیه را بازگو کردند و با بیانات روشنگرانه‌ی خود، پرده از حکومت یزید برداشتند و اذهان مردم مدینه را نسبت به بنی‌امیه آگاه کردند و این زمینه‌ای شد که بسیاری از قیام‌ها بر علیه امویان در مدینه شکل بگیرد.

بنابراین سید الشهداء (ص) حماسه‌ی بزرگی در روز عاشورا و در زمین کربلا خلق نمود و امام سجاد (ع) این حادثه‌ی تاریخی را از قید زمان و مکان رها نمود و شعار «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» را جاودانه کرد.

از تلاش‌های امام سجاد (ع) که هم جنبه‌ی دینی داشت و هم جنبه‌ی سیاسی، توجه به بردگان بود. قشری مظلوم که به‌خصوص از زمان حکومت عمر (خلیفه‌ی دوم) به بعد، تحت فشار شدیدی قرار گرفتند. ایشان همانند جد بزرگوارشان امیرالمومنین علی (علیه السلام)، علاوه بر تلاش در جهت افزایش حیثیت اجتماعی این قشر، نسبت به آزادسازی بردگان نیز توجه بسیاری داشت. امام (ع) بردگان را می‌خرد و آنان را آزاد می‌کرد یا تحت تربیت خویش قرار می‌داد. بردگان نیز با گفتار و رفتار ایشان آشنا شده و تأثیر می‌پذیرفتند و این‌گونه باعث گسترش تشیع می‌شدند.

عصر امام سجاد (ع) مصادف بود با نگرش نخستین سیره‌های تخصصی توسط کسانی که احساساتی مغایر با احساسات خاندان رسول خدا (ص) داشتند و به نوعی از وابستگی دربار اموی محسوب می‌شدند. ایشان با اهتمام به نقد دیدگاه‌های مخالفان تفکر امامت، به دفاع از خاندان خویش پرداختند و واقعیت‌های تاریخی عصر رسول خدا (ص) را آشکار کردند تا در مقابل تحریف سیره‌ی نبوی بایستند. همچنین پس از واقعه‌ی عظیم کربلا، امام سجاد (علیه السلام) که در کاروان اسرا بودند، در جهت تبیین حقیقت عاشورا سه خطبه‌ی مهم داشتند که به روایتی کوتاه از آن بسنده می‌کنیم.

خطبه‌ی کوفه: هنگامی که اسیران کربلا وارد کوفه شدند، پس از خطبه‌ی حضرت زینب (س)، امام سجاد (ع) نیز خطبه‌ای در سرزنش مردم این شهر ایراد کرد که مظلومیت امام حسین (ع)، بی‌وفایی و نیرنگ کوفیان، مؤاخذه کوفیان توسط پیامبر اسلام (ص) از زبان امام سجاد (ع) و اشعاری در مرثیه‌ی امام

## منابع

- سید غلام‌حسین حسینی. سرفصل‌هایی از حرکت سیاسی امام سجاد (ع) در نهضت کربلا، مجله حکومت اسلامی، سال هفتم، زمستان ۱۳۸۱.  
شهیدی، زندگانی علی بن الحسین (ع)، ۱۳۸۵.  
مکارم شیرازی، عاشورا: ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، ۱۳۸۴.



# فواید و مضرات بازی‌های رایانه‌ای بر دانش‌آموزان

خدیجه عبدالهی دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی، پردیس فاطمه الزهرا تهریز

تأثیرات منفی این بازی‌ها بسیار گسترده هستند و در دو حوزه‌ی جسمی و روانی-تربیتی به صورت گسترده یافت می‌شوند.

مهم‌ترین این تأثیرات در تنبلی ذهن دانش‌آموزان است. وقتی دانش‌آموز با یک بازی آماده و تکراری مواجه است، کمتر قدرت دخل و تصرف دارد و رفته‌رفته کمتر از ذهن و فکر خود استفاده می‌کند. بنابراین آینده‌ی تحصیلی دانش‌آموزان و آینده‌ی شغلی آن‌ها به شدت تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

مهم‌ترین نقاط بدن که در جریان سرگرمی با بازی‌های رایانه‌ای درگیر می‌شوند و تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: چشم‌ها، گردن و ستون فقرات، کتف و مچ دست. زمانی که دانش‌آموزان در این قسمت‌ها دچار اختلال می‌شوند و آسیب می‌بینند، مستقیم در یادگیری و آموزش آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

بازی‌ها همچنان که وسیله‌ای برای سرگرمی محسوب می‌شوند، گاهی آموزنده و سازنده هستند؛ تا جایی که صاحب‌نظران گاهی اشتغال دانش‌آموزان به بازی‌ها را ارزشمندتر از مطالعه‌ی کتاب می‌دانند؛ زیرا در خلال برخی بازی‌ها، دانش‌آموزان به مفاهیم ذهنی جدید دست می‌یابند و مهارت‌های بیشتری کسب می‌کنند و تجاربی کسب می‌کنند که چون بدون فشار و با میل و رغبت اتفاق می‌افتد، پذیرش آن‌ها از سمت دانش‌آموزان مؤثرتر است.

بازی‌های رایانه‌ای، باعث بهبود تجسم فضایی و افزایش مهارت انتزاعی ذهن دانش‌آموزان می‌شود و قوه‌ی تخیل دانش‌آموزان را تقویت می‌کند. اما همواره نباید این موضوع را یک نکته‌ی مثبت برای بازی‌ها در نظر بگیریم؛ زیرا این تجسم فضایی، گاهی زندگی واقعی آن‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و فاصله‌ای محسوس بین ذهنیات و تجربیات عینی دانش‌آموزان ایجاد می‌کند و باعث می‌شود برای بال و پر دادن به ذهنیات دل‌پذیر خود، دوباره و دوباره به سمت بازی‌های رایانه‌ای بروند و بیشتر و بیشتر در دنیای آرمانی خود غرق شده و از جهان واقعی جدا شوند.





# جاده

برود غنچه‌ی عاشق به ته باغ رقیب  
انتظاری به جز این داشت دل ما از دوست  
رفت و بیچارگی‌ام پشت در خانه گذشت  
در درون مانده و بشکست درون از فریاد  
چند سالی هوس هر شبم اسباب وصال  
راه عشق از دل معشوق به عاشق باز است  
بکشد این تن ما بر تن خونین صلیب  
ولی افسوس که دل بر دل ماکرد غریب  
کس ندید این گذر عمر به جز خالق سیب  
از عذابی که بماند از ستم یار نجیب  
طرح خود ریختی، اما تو به منظور فریب  
گر که مسدود شود راه بُود جاده مهیب

توحید اسدزاده (جاوید)

دانشجوی راهنمایی و مشاوره، پردیس علامه امینی تبریز







## «الف تا» رویدادی برای تحول مدرسه

رویداد بین‌المللی «الف تا» با هدف گردآوری و استفاده از تجربیات و ایده‌های تحولی سراسر کشور، از تاریخ ۱۸ الی ۲۱ تیر ماه در مصلی امام خمینی تهران برگزار گردید. مصاحبه‌ای با آقای الله دوستی، معلم ابتدایی ناحیه سه تبریز انجام شد. ایشان و تیم همراهشان با تلاش‌های فراوان اقدام به نگارش شش کتاب مبتنی بر سند تحول انجام داده‌اند.

### ♦ چرا تصمیم گرفتید درباره‌ی اجرایی کردن سند تحول کار کنید؟

طبق گفته‌ی آقا، مدارس ما باید از تک‌محوری و تک بعدی به سمت تدریس تمام ساحتی حرکت کنند. به خاطر همین ما یک گروه به صورت جهادی و دغدغه‌مند ایجاد کرده و با هزینه‌ی شخصی، شروع به نگارش و تدوین کتاب کردیم. ما تمامی دروس ابتدایی را به فرموده مقام معظم رهبری به جز درس قرآن، بر اساس ساحت‌های شش‌گانه تحلیل و بررسی کردیم.

### ♦ محتوای کتاب‌هایی که شما کار کردید، به صورت عملی در مدرسه اجرا شده یا فقط نظری است؟

کارهایی که ما انجام دادیم به صورت خیالی و ایده ذهنی نیست؛ بلکه در تمام مدارس همکاران به صورت طرح درس بیان کردند؛ در کلاس‌ها به صورت عملی اجرا کردند و بعد از اجرا شدن، آمدم و دست به قلم شدیم. چنین نبوده که اول بنویسیم بعد بگوییم که در کلاس‌ها اجرا کنید. اول اجرا کردیم، بعد تحلیل و بررسی صورت گرفت و سپس تدوین کردیم.

### ♦ مشارکت خانواده‌ها چگونه صورت می‌گیرد؟

برای مثال ما مبحثی داشتیم به نام آتش‌نشان‌ها. ما از اولیایی که آتش‌نشان بودند دعوت کردیم که این درس را به صورت عملی تدریس کنند. علاوه بر آن، دانش‌آموزان با شغل آتش‌نشانی هم آشنا شدند.

### ♦ چطور ساحت‌ها را به دانش‌آموزان توضیح می‌دهید؟

ما چون ساحت‌ها را نمی‌توانستیم به دانش‌آموزان توضیح دهیم، به صورت نمادین کوله پشتی کار کردیم. دانش‌آموز وقتی متن کتاب را می‌خواند، به صورت فعال تشخیص می‌دهد که مربوط به کدام ساحت است.



## ♦ تدوین کتاب چقدر طول کشید؟ چقدر در این مسیر به شما کمک کردند؟

حدود ۲ سال این کار طول کشیده است. متأسفانه ما هیچ حمایتی از اداره کل استان خودمان ندیدیم؛ بلکه سنگ اندازی هم کردند. حتی این رویدادی که ما الان آمده ایم هم اطلاع رسانی نشد و بلیط هم با هزینه ی شخصی تهیه شده است. حتی اطلاع ندارند که ما این جا هستیم. اگر حمایت وزارت نبود، خیلی وقت بود که ما این کار را ول کرده بودیم.

## ♦ روش تدریس شما به چه صورت است؟

ما روش های تدریس برای هر درس، تلفیق دروس و نمونه فعالیت های هر درس را نیز در این کتاب ها آورده ایم. برای نمونه در تدریس دانش آموز محور به تفاوت های دانش آموزان بها داده می شود و کلاس به کلاسی پویا تبدیل می شود. ما راهکارهایی ارائه دادیم که دانش آموزان خلاق پرورش یابند. وقتی تدریس دانش آموزان محور باشد، ایده هایی به ذهن دانش آموزان می آید که می توانیم از آن ها نیز در تدریس استفاده کنیم.

## ♦ آیا محتوای کتب درسی متناسب با سند تحول است؟

محتوایی که در این کتاب ها آورده ایم، بر اساس سند درس ملی هست. ما برای این که تمام ساحتی کار کنیم، نیاز به تغییر محتوای کتاب درسی بود که در حال حاضر امری است نشدنی. بیشتر برنامه ی درس ملی، غرب گرایانه است ولی در تدوین کتاب، ما سعی کردیم بر اساس دیدگاه اسلامی و متناسب با سند کار کنیم. محتوای کتب درسی برای عصر ما نوشته نشده است. عصر حاضر، عصر تغییر و تحول است. برای مثال دانش آموزان امروزه با گوشی های هوشمند آشنا هستند که نیاز به یاددهی استفاده ی صحیح از آن است.

## ♦ به نظر شما این کار چقدر می تواند در اجرای سند تحول کمک کند؟

ما کتاب را که برای تأیید بردیم، معاونت آموزش گفتند: «با این کار شما، کار معلمان خیلی تسهیل شده است». سازمان پژوهش نیز گفت: «شما با این کار، سه سال از سازمان پژوهش جلوتر هستید. ما با این کار شما مطمئن هستیم که یک تیم قوی در شمال غرب برای اجرای سند داریم».



# علل و پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد

لیلا محمدیان دانشجوی کارشناسی آموزش دانش آموزان با نیازهای ویژه، پردیس فاطمه الزهراهای تبریز

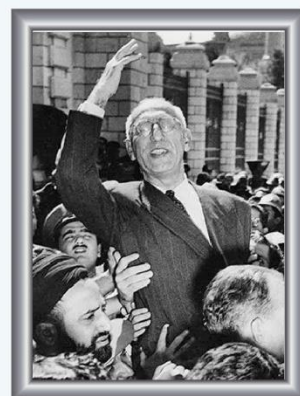
و اعتبار ندارد. اما پس از تلاش فراوان و دفاعیات شجاعانه دکتر مصدق از این قانون، در نهایت رأی به نفع ملت ایران بود. شاه نیز نتوانست در برابر پیروزی ملت ایران مقاومت کند و در پیامی این پیروزی را به ملت ایران تبریک گفت.

مدتی پس از استعفای حسین اعلا، وزیر دربار وقت، دکتر مصدق منصب نخست وزیری را بر عهده گرفت و پس از درگیری و اختلاف با شاه که شرح آن در این مجال نمی‌گنجد و سخنان آتشین آیت‌الله کاشانی، شاه به انتصاب دکتر مصدق به سمت وزیر جنگ رضایت داد.

پس از انتصاب دکتر مصدق در این سمت، وی به شیوه (جدایی دین از سیاست) روی آورد که در این راه اطرافیان غرب‌زده دکتر مصدق بی‌تأثیر نبودند. این اقدامات منجر به عدم حمایت آیت‌الله کاشانی از دکتر مصدق شد. دکتر مصدق در زمان نخست وزیری به شیطان بزرگ (آمریکا) بسیار اطمینان داشت و روابطش را با آن‌ها گسترش داد.

هر ملت و هر تاریخی، حوادثی را پشت سر گذاشته و مصائبی را از سرگذرانده است تا به نقطه‌ای که باید برسد. سرزمینمان ایران از دیرباز، آبستن رویدادهایی سرنوشت‌ساز بوده که هر یک به نوبه‌ی خود تأثیری شگرف بر آینده‌ی ملت ایران داشته است. یکی از این حوادث، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که موجب سرنوشتی و سقوط دولت دکتر مصدق و بازگشت دیکتاتوری به ایران بود.

برای بررسی این کودتا باید پیش‌زمینه‌های آن را در نظر بگیریم: در سال ۱۳۲۹، دکتر محمد مصدق با همراهی آیت‌الله کاشانی، پس از سال‌ها تلاش و مجاهدت برای بازپس‌گیری حق ملت ایران از چنگال اجنبی، موفق به تصویب لایحه ملی شدن صنعت نفت در مجلس شورای ملی شدند. این قانون برای مردم ایران ارزش و قدر والایی داشت؛ زیرا از همان قرن نوزدهم که نفت برای اولین بار در ایران کشف گردید، دولت انگلیس در پی غارت این سرمایه‌ی ارزشمند و تسخیر آن به نفع خود بودند. دولت انگلیس که قادر به صرف نظرکردن از این سرمایه نبود، به دیوان لاهه شکایت نمود؛ به این بهانه که ایران به تعهدات خود پایبند نیست و این قانون ارزش





هواداران شاه از ساعت ۹ صبح ۲۸ مرداد، شعار (زنده باد شاه) و (مرگ بر مصدق) سر می‌دادند و گام‌به‌گام جلو می‌رفتند. آن‌ها ابتدا خانه‌ی دکتر مصدق را محاصره و از شهر جدا کردند. رادیو را گرفتند و حکومت خود را در سرتاسر کشور اعلام کردند و سپس به خانه‌ی مستقل دکتر مصدق یورش بردند. با پیروزی کودتای ۲۸ مرداد، ایالات متحده و دولت انگلیس به هدف کوچک خود، یعنی سرنگونی مصدق و بازگشت استعمار از طریق دیکتاتوری دست یافتند؛ ولی به هدف عمده خود نرسیدند.

کودتای ۲۸ مرداد، نتوانست حرکت ملی ایرانیان را از بین ببرد؛ بلکه بالعکس سبب آگاهی ایرانیان و تکامل حرکت ضد استبدادی بود. از این کودتا نتایج بسیاری می‌توان گرفت ولی تاریخ ایران همواره معترف بوده است که هرگاه سیاست و دنیا در کنار هم برای رسیدن به هدف مشترک، فعالیت کرده‌اند، موفقیتی بزرگ نصیب ملت شریف ایران شده است. نظیر انقلاب اسلامی ایران.

اگر دکتر مصدق فریب اطرافیان غرب‌زده خود و شعار پرزرق و برق و دروغین «جدایی دین از سیاست» را نمی‌خورد، شاید موجب گرفتار شدن مجدد ملت ایران زیر سلطه‌ی استعمار نمی‌شد و نابودی خودش و زحماتش را نمی‌دید.

در سال ۱۳۳۱، در پی تلاش‌های وینستون چرچیل، نخست وزیر انگلیس و هاری ترومن، رئیس جمهور آمریکا، برای نفوذ و غارت مجدد بر نفت ایران، دولت انگلیس رابطه‌ی سیاسی خود را با ایران قطع کرد. دولت انگلیس پس از ملی شدن صنعت نفت به خاطر از دست دادن منابع عمده ارزی خود، دولت مصدق را حتی برای لحظه‌ای آسوده نگذاشت. ملی شدن صنعت نفت، زمینه تقابل انگلیس و دولت مصدق را فراهم آورد و پس از جدال بسیار، انگلستان به این نتیجه رسید که سرنگونی دولت مصدق، تنها راه دستیابی دوباره به نفت ایران است؛ ولی دولت کاسه‌لیس انگلیس برای دستیابی به اهدافش نیاز به یک ابرقدرت داشت. در این راه کدام کشور بهتر از آمریکا که قدرتش را در زمینه استعمار و زورگویی ثابت کرده بود! مذاکرات انگلیس و آمریکا تا زمان ترومن نتیجه‌بخش نبود ولی با روی کار آمدن آیزنهاور، این مذاکرات به نتیجه رسید. با اینکه انگلیس و آمریکا با یکدیگر به توافق رسیدند ولی هر یک اهداف جداگانه‌ای از طراحی کودتا داشتند. هدف انگلیس دستیابی مجدد به نفت ایران و هدف آمریکا جلوگیری از خطر کمونیسم و نگرانی از خارج شدن نفت ایران از چنگال جهان غرب بود.

هدف کوچک آن‌ها از این کودتا، سرنگونی مصدق، بازگشت محمدرضا پهلوی و سلطه‌ی دوباره استعمار به ایران بود ولی در پس این اهداف، هدفی بزرگ‌تر، یعنی از بین بردن تلاش و حرکت ملی ایرانیان و ریشه‌کن ساختن آن برای همیشه بود.





## نگاهی بر فصل دوم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

ریحانه حسن زاده دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهرا تبریز

در تهیه سند تحول بنیادین، کوشش شده است تا با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آن‌ها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود.

### فصل دوم: «بیانیه ارزش‌ها»

گزاره‌های ارزشی مندرج در بیانیه ارزش‌ها، باید‌ها و نباید‌هایی اساسی است که لازم است تمام اجزا و مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، هماهنگ با آن‌ها بوده و همه‌ی سیاست‌گذاران و کارگزاران نظام، ملزم و پایبند به آن‌ها باشند.

تعدادی از گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی عبارتند از:

۱. آموزه‌های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه‌ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم (ص)، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و ائمه معصومین (علیهم السلام) به‌ویژه امام زمان (عج) و ولایت‌مداری در تمام ساحت‌ها برای تحقق جامعه‌ی عدل جهانی (جامعه‌ی مهدوی).

تبصره: اقلیت‌های مذهبی مصرح در قانون اساسی، براساس قوانین موضوعه اقدام خواهند کرد.

۲. آموزه‌های بنیادین مهدویت و انتظار که رمز هویت اسلام ناب و عامل حیات و بقای آن در عصر غیبت است، به عنوان مهم‌ترین رسالت منتظران در عصر غیبت.

۳. میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره)، تعمیق علاقه و پیوند با انقلاب اسلامی، قانون اساسی و ولایت فقیه.

۴. زمینه‌سازی کسب شایستگی‌های پایه با تأکید بر خصوصیات مشترک اسلامی-ایرانی و انقلابی، در راستای تکوین و تعالی پیوسته‌ی هویت دانش‌آموزان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی.

۵. عدالت تربیتی در ابعاد کمی، همگانی و الزامی و عدالت کیفی با رعایت تفاوت‌های فردی، جنسیتی، فرهنگی و جغرافیایی.

۶. وطن‌دوستی و افتخار به ارزش‌های اصیل و ماندگار اسلامی-ایرانی و اهتمام به برپایی جامعه‌ی مهدوی.

۷. تقویت شأن حاکمیتی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در ابعاد سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی، نظارت و ارزیابی، ضمن مشارکت‌پذیری و کاهش تصدی‌گری غیرضرور در بُعد اجرا با رعایت اصل عدالت.

۸. مسئولیت‌پذیری همه‌جانبه، مشارکت اجتماعی و داشتن روحیه‌ی جمعی و مهارت مورد نیاز جامعه.



# کلید زنگ زده

زهرا متقی دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی، پردیس فاطمه الزهرا تهریز

هوا به آرامی رو به خنک شدن می‌رفت و مرد هر چه به سمت روستا نزدیک می‌شد، هیچ راهی برای خلاص شدن از دست اندازها و جاده‌ی پرپیچ‌وخم پیدا نمی‌کرد. ناخودآگاه خاطرات کودکی‌اش در ذهنش رنگ می‌گرفت و لبخند کوچکی را گوشه‌ی لبانش می‌نشانید. همان زمان‌هایی که همراه پدر و برادر بزرگ‌ترش این مسیر را پیاده طی می‌کردند و گاهی هم از فرط خستگی روی تکه سنگی یا سبزه‌زاری نفس تازه می‌کردند. ولی این جاده‌ای که اکنون با تکان‌های ماشین و صدای خرخر سنگ‌ریزه‌ها زیر چرخ، سعی بر عبور از آن داشت، شباهت چندانی به آن جاده نداشت. آن مسیر سرسبز و دل‌باز کجا و این جاده‌ی تنگ و باریک خاکی که دور و برش پر از حصار شده بود کجا! مرد غرق در صحنه‌های کودکی و نوجوانی، مسیری را در پیش گرفته بود که مقصدش بوی آرامش و لذت می‌داد. شاید یک ربع نگذشته بود که قهوه‌ای رنگ آشنایی، از دور توجهش را به خود جلب کرد. مرد شاید برای چند ثانیه، از زمین و زمان کنده شد. تنها یک چیز در ذهنش پررنگ می‌شد؛ «کودکی».

ماشین را بدون دقت خاصی وسط جاده پارک کرد و پیاده شد. چند لحظه مکث کرد. انگار چیزی فراموش شده بود. با چند قدم عقب‌گرد، کلید زنگ‌زده‌ی آهنی را از داشبورد ماشین بیرون کشید. نگاهش چند ثانیه روی کلید قفل شد. فاصله‌ی باقی‌مانده را با چند قدم پرکرد و با حس عجیب و تلاطمی که در وجودش شکل گرفته بود، قفل در را باز کرد. در با صدای تق و خشک شده‌ای باز شد. مرد با خود فکر کرد که حتی در و دیوار هم در برابر بی‌وفایی‌اش شکایت می‌کنند. قدم اولی که داخل حیاط گذاشت، با شکستن سکوت برگ‌های زرد و بی‌روحو همراه شد که کف خاکی حیاط را پوشانده بودند. نگاه مرد به سمت درخت گردویی کشیده شد که روزی روزگاری در این خانه شاهد خنده‌ها و گریه‌های زیادی شده بود. درختی که اکنون جز هزاران برگ خشکیده، چیزی برای نمایش نداشت. دیوارهای کاه‌گلی که ممکن بود با هر تکیه‌ی کوچکی بریزند، بی‌روح‌تر از زمان گذشته به نظر می‌رسیدند. مرد، معلق بین عالم کودکی و شیرینی‌هایش، پا داخل خانه گذاشت. دالان کوچکی که روزی پاتوق تمامی شیطنتها و گل یا پوچ بازی‌هایشان بود، ته دلش را قلقلک داد. مرد حالتی شبیه به بغض و اشک و شوق را همراه هم تجربه می‌کرد.

وسط خانه‌ای ایستاده بود که در این لحظه، خالی از هر چیزی بود. خالی از رنگ و روح و مهم‌تر از همه خالی از عشق آن خانواده. سردی هوا بود که دل مرد را به لرزه در می‌آورد یا سردی این همه بی‌محبتی که از در و دیوار خانه مشخص می‌شد؟ بوی خاک نم‌کشیده، نفس کشیدن را سخت می‌کرد. مرد کلید زنگ‌زده را بین انگشتانش فشار می‌داد. شاید جنس این کلید، او را یاد خیلی چیزها می‌انداخت. چیزی شبیه قبل و زندگی فعلی خودش. شاید هم، سن و سال جوانی‌اش که کم‌کم به سوی میانسالی می‌رفت. شاید امروز فرصتی شده بود برای فرار از تمامی دغدغه‌هایی که قلب و مغزش را پوسانده بود. فرار از هیاهویی که ریشه‌هایش را مثل درخت گردوی وسط حیاط خشکانده بود. این خانه شاید کهنه و آواره به نظر می‌رسید، اما یادگاری‌های آن خانه هنوز هم بوی تازگی و طراوت داشتند. کلید این خانه شاید به ظاهر زنگ‌زده بود، اما باز هم کلیدی بود برای باز کردن قفلی که یک دنیا خاطره و آرامش و لذت کودکی در پس آن محبوس شده بود.



## مرهم سینه‌های سوخته

فاطمه آقازاده دانشجوی کارشناسی آموزش علوم تجربی، پردیس فاطمه الزهرا تبریز

امروز عاشورا است و عدهٔ کثیری در حرمت مهمان‌اند. اگرچه اینجا هستم، اما روح و قلبم در هوای کربلاست! تا به حال نرفته‌ام؛ تا به حال ندیده‌ام؛ اما می‌گویند هوای بین‌الحرمین عطر بهشتی دارد!

عشق یعنی به تو رسیدن! یعنی نفس کشیدن در خاک سرزمینت؛ عشق یعنی تمام سال و همیشه، بی‌قرارم برای اربعینت!

آقای من، زندگی را به دستت دادم و در این مسیر افتادم. ای عشق مادرزادم، حسین!

بارالها زیارت مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین را نصیب همه‌ی عاشقان بگردان.

ایام سوگواری حسینی بر شما عاشوراییان تسلیت باد.

آسمان بغض کرده است. زمین و زمان غرق در ماتم است. صدای طبل‌ها و زنجیرها، نغمهٔ غمگینی را خلق کرده است. علم‌های «یا حسین» برافراشته می‌شود. دست‌ها تا آسمان بلند شده و بر سینه‌های عاشقان شوریده‌دل فرود می‌آید. نواهای دل‌انگیز «یا حسین» در آسمان‌ها می‌پیچد. باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟! امروز چشمان شیعیان غرق اشک است. امروز عرش الهی عزادار است. امروز تمامی کائنات در آشوب‌اند. گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست؛ این رستخیز عام که نامش محرم است ...

امروز، روز عاشورا است! یا امام حسین! ای مرهم سینه‌های سوخته؛ ای پناهگاه عاشقان دل‌خسته؛ عشق تو معنای زندگی است و شوق دیدار تو راحتی جان دادن! جان عالم فدای کودک شش ماهه‌ات؛ فدای پیکری که تشنه به شهادت رسید؛ فدای دستان علم‌دار؛ فدای بی‌تابی‌های حضرت رقیه؛ فدای اشک‌های حضرت زینب؛ فدای جان‌هایی که زیر سم اسب‌ها پریر شد. ای کاش آن زمان که جانت را گرفتند، جان جملهٔ جهانیان گرفته می‌شد.



جهت گوش دادن کلیک کنید





## مشروطیت

مشروطیت ایران یکی از بزرگ‌ترین وقایعی بود که تا آن زمان در تاریخ ایران روی داد و بالاترین تحول را در چارچوب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران به وجود آورد و حکومت استبدادی را که در آن دوران در ایران پادشاهی می‌کرد، واژگون کرد. هدف مشروطیت برقراری حکومت ملی بود که پایه‌اش بر روی فلسفه نوین، رشد فکر، تعقل، آزادی و عدالت است و به دنبال آن است تا آزادی عقیده و تساوی حقوق افراد و حکومت مردم بر مردم را در ایران استوار کند؛ تقدیرات ملک و ملت را به خود مردم بسپارد؛ مردم را در وضع قوانین مناسب با اخلاق و صلاح جامعه، مختار و آزاد نماید. اما حاکمیت ملی منتج از مشروطیت استمرار نیافت و پس از مدتی با تقلب در انتخابات، تشکیل مجالس فرمایشی و تصویب قوانین ضد دموکراتیک توسط این مجالس، در عمل تعطیل شد تا این که مبارزات مردم ایران برای جنبش ملی‌کردن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق اوج جدیدی یافت و به روی کار آمدن حکومت ملی دکتر مصدق انجامید.

این حکومت با کودتای مشترک دربار ایران و سیا (سازمان اطلاعات آمریکا) در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برکنار و دیکتاتوری پلیسی-نظامی محمدرضا شاه در کشور حاکم شد. پس از آن، مبارزات مردم باز هم ادامه یافت.

مقابله با دخالت بیگانه

اولین مجلس ملی پس از تشکیل، به مطالعه و انتقاد مواد امتیازنامه‌ها از جمله امتیاز نفت داری و امتیاز بانک شاهنشاهی پرداخت و تصمیم گرفت که دادن یا انتقال هیچ امتیازی بعد از تاریخ صدور فرمان مشروطیت بدون تصویب مجلس، مجاز نیست.

## عرفان دادخواه

دانشجوی آموزش الهیات، پردیس علامه امینی تبریز





# پیوند دین و سیاست در نهضت عاشورا

راضیه شاگرد دانشجوی کارشناسی آموزش ریاضی، پردیس فاطمه الزهرا تبریز

بنیان‌گذار انقلاب، امام خمینی (ره) نیز با بهره‌گیری از آموزه‌های سیاسی و معنوی عاشورایی، نهضت حسینی را اساس قیام و مبارزه خویش قرار داده و به احیای دین پرداخت.

امام خمینی می‌فرماید: «محرم و صفر را زنده نگه دارید که با زنده نگه داشتن آن، نهضت شما آسیبی نمی‌بیند» و در جایی دیگر فرمودند: «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد». همه‌ی این‌ها نشان می‌دهد که میان زنده نگه داشتن عاشورا و پیروی از ولایت، رابطه‌ی عمیق و مستقیمی وجود دارد و این همان فرهنگ دینی و سیاسی عاشورا است. چرا که این دو لازم و ملزوم یک‌دیگرند. زنده نگه داشتن عاشورا با حکومت دینی میسر است و دوام حکومت دینی هم با ولایت انجام می‌پذیرد.

امام با تعبیر اسلامی-سیاسی از نهضت حسینی اثبات کرد برای اجتناب از تحریف، باید به این دو خصیصه سیاسی بودن و اسلامی بودن توجه کافی شود. عاشورا، حرکتی سیاسی است ولی نه سیاست بیگانه از دین، نه سیاستی مبتنی بر پذیرش مبانی سکولاریسم؛ بلکه حرکتی سیاسی و مبتنی بر روحی و معارف دینی. عاشورا تجلی‌گاه سیاست دینی است.

توجه دقیق و همه‌جانبه به سیاست دینی نهفته در نهضت کربلا، نه تنها توانست کشتی انقلاب را از طوفان‌های حوادث برهاند و آن را به نهال پرثمر و تناور تبدیل کند، بلکه موجب توجه جدی مسلمانان به اسلام سیاسی شد. همان‌طور که در حرکت کربلا متبلور است.

عاشورا و نهضت کربلا، حادثه‌ای بزرگ و متنی دینی است که همچون سایر وقایع دینی، از دو منظر قابل تأمل و اندیشه می‌باشد. یکی نگاه به خود حادثه (نقل و روایت ماجرا) و یکی تفسیر و تعبیر عاشورا است. اگر از منظر دوم به عاشورا نگاه کنیم، به دیدگاه و تعبیراتی می‌رسیم که به بُعد سیاسی نهضت عاشورا می‌پردازد. حال یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های سیاسی عاشورا، مسأله پیوند و ارتباط دین و سیاست است.

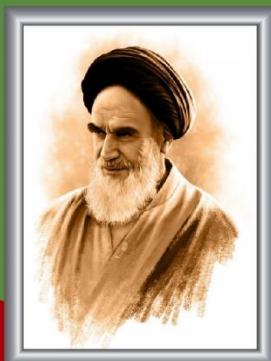
نهضت عاشورا، صرفاً یک نهضت دینی و کاملاً به دور از سیاست نیست؛ بلکه یکی از اهداف آن، اصلاح جامعه‌ی اسلامی و انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر بود. برخی از کسانی که تعبیر سیاسی از عاشورا را نمی‌پذیرند، در حقیقت می‌خواهند در جهت اهداف و برنامه‌هایی حرکت کنند که تمدن غرب در جهان اسلام و خاورمیانه دنبال می‌کند. غرب به خوبی این حقیقت را درک کرده است که اسلام سیاسی یا الهام گرفتن سیاست از اسلام، خطری است که تمدن آن‌ها را تهدید می‌کند.

البته لازم به ذکر است که نمی‌توان عاشورا را تنها به بُعد سیاسی محدود کرد و ابعاد معنوی آن را در نظر نگرفت. محدود کردن هدف و فلسفه پیدایش نهضت حسینی تنها در حد تسخیر حکومت و غفلت از فلسفه شهادت و تأثیر این فلسفه در احیای اسلام، خود تحریف دیگری است که موجب فراموشی ابعادی وسیع و قابل توجه از این حرکت الهی می‌شود.

بنابراین نه می‌توان این حادثه‌ی عظیم را فاقد ابعاد سیاسی شمرد و نه می‌توان آن را صرفاً در سیاست محدود کرد.

## منابع

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۴۰۰. فرهنگ دینی و سیاسی عاشورا با نگاه امامین انقلاب. در دسترس از: [www.nahad.ir/ZcCgq](http://www.nahad.ir/ZcCgq)  
جعفرپیشه فرد، مصطفی (۱۳۹۲). پیوند دین و سیاست در گشت‌مان عاشورا. فصلنامه علمی-پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۲۵.



# عاشورا

# چهارمین



# تقلب مفید!

آیلار عباسپور دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهرا تبریز

دیگر هرگز طرز صحیح نوشتن آن کلمه از یادمان نرفت اما قسمت جالب ماجرا این بود که متوجه شدیم ما سه نفر به صورت ناخودآگاه در طول تحصیل در سال‌های بعد نیز دیگر هرگز به تقلب تکیه نکردیم. ما درس بزرگی گرفته بودیم. بعدها وقتی درس و دانشگاه با معلمی گره خورد و دانشجو معلم شدم، متوجه دانش و تجربه‌ی ارزشمند آن روزِ خانم معلم شدم. در حقیقت هدف از آزمون در مقاطع ابتدایی، یادگیری است نه ارزیابی آموخته‌ها به منظور مقایسه‌ی دانش‌آموزان. نمره، اهمیت چندانی ندارد و معیار مهمی محسوب نمی‌شود. مهم یادگیری است. گاهی حتی با تقلب کوچک نیز می‌توان به این هدف رسید؛ زیرا اکثراً آن مورد فراموش نخواهد شد و صد البته به خاطره‌ای شیرین بدل خواهد شد.

زنگ املا بود. من و دوستانم، شادی و شیما، ردیف جلو روی یک نیمکت نشسته بودیم. خانم معلم کلمه‌ها را به آرامی و با هجی کردن می‌گفت؛ تا این که نوبت به کلمه‌ی قندان رسید. من نوشتم «قندان»! شادی و شیما گفتند:

- عه مطمئنی؟

- خیالتون راحت. پاک کنید و این مدلی بنویسید!!

- آیلار! آخه این مدلی نبود!!

دوباره با صدای بلندتر گفتم:

- نههه! این مدلی هست. مطمئنم.

معلم صبور و مهربانمان در تمامی این لحظات تذکر می‌داد اما ما را دعوا نمی‌کرد و بالاخره همه‌ی ما آن کلمه را غلط نوشتیم. در واقع

با طناب پوسیده‌ی من به چاه افتادیم!





# انتقال خون

غلامرضا جلیلی نژاد خیابانی دانشجوی کارشناسی آموزش زیست‌شناسی، پردیس علامه امینی تبریز

در علم پزشکی و علم زیست‌شناسی، به کاهش گلبول‌های قرمز و کاهش ظرفیت انتقال اکسیژن در بدن، کم‌خونی گفته می‌شود. مثلاً در بیماران مبتلا به تالاسمی که یک بیماری ژنتیکی است، تعداد هموگلوبین‌ها و گلبول‌های قرمز خون از حالت نرمال کم‌تر بوده و در نتیجه به کم‌خونی مبتلا می‌شوند.

فعالیت‌های طب انتقال خون در ایران به سال ۱۳۲۰ بر می‌گردد. اما در مرداد سال ۱۳۵۳، با تشکیل سازمان انتقال خون در ایران، کلیه فعالیت‌های اهدای خون از جذب داوطلب و گرفتن خون تا تهیه‌ی فراورده‌های آن برای مراکز درمانی به این سازمان واگذار گردید. با تشکیل این سازمان منسجم، فعالیت‌های مرتبط با طب انتقال خون در ایران گسترش زیادی پیدا کرد. از آن تاریخ به بعد، سالروز تأسیس این سازمان در نهم مرداد ماه به عنوان روز اهدای خون نام‌گذاری شده است که در واقع روز قدردانی از اهداکنندگان این ماده‌ی حیات‌بخش به شمار می‌رود.

با وجود پیشرفت‌های گسترده‌ی امروزی در حوزه‌ی علم و دانش، بشر تاکنون از ساخت ماده یا محلولی که بتواند کمبود ماده‌ی حیاتی خون را در بدن انسان جبران کند، ناتوان مانده است. بنابراین کمبود خون یا کم‌خونی، جز از طریق انتقال خون به بدن انسان، قابل جبران نیست و این ماده‌ی حیات‌بخش از بدن فرد اهداکننده آن تامین می‌گردد.

انتقال خون در واقع پیوند خون از خارج از بدن به سیستم گردش خون انسان است که هدف آن فراهم کردن کارآمدترین درمان برای دریافت‌کننده‌ی خون با بالاترین ضریب ایمنی است. باید توجه داشت که انتقال خون نباید برای دریافت‌کننده‌ی آن خطری داشته باشد. برای این کار آیین‌نامه‌های اخلاقی برای اهدا و انتقال خون تصویب شده است که دسترسی به خون عاری از خطر، رایگان، عدم نیاز به جایگزینی، رضایت آگاهانه‌ی کتبی و مستند و حق اطلاع از آسیب‌های احتمالی وارده از جمله موارد این آیین‌نامه‌ها می‌باشد.



با اهدای خون، زندگی را به اشتراک بگذاریم.



# مثل در غلطان

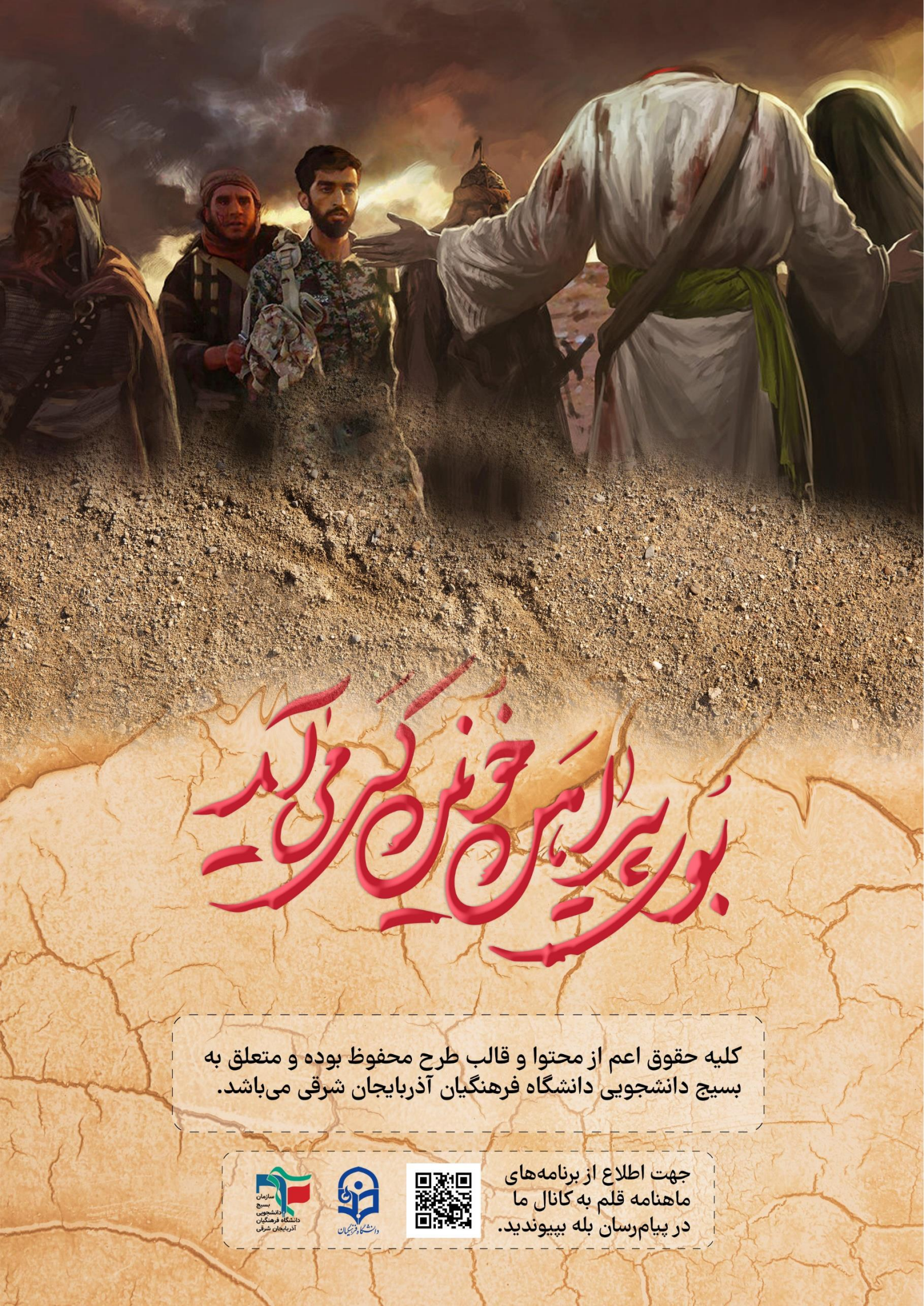
معلم هست مثل در غلطان که باشد نفع او از حد فراوان  
هر آنچه از کمال و عز و تمکین در او جمع آمده با نور ایمان  
شفای روح و جسم از وی میسر هر آنکه منکر است، او خاک بر سر  
معلم با خدا تشبیه گشته در الرحمن همی تصویر گشته  
من این اشعار را گویم به تعظیم معلم هست شایسته به تکریم  
هدایت شأن خود از او گرفته جهالت با وجودش رخت بسته  
اساس عشق انسانی است حقا کلید رحم رحمانی است حقا  
غریبام خود معلم یار هستم سخن را بهر عقل و کار بستم

دکتر حیدر پیرعلیلو

استادیار گروه معارف اسلامی، پردیس علامه امینی تبریز







# بویایان خنجر می‌کشد

کلیه حقوق اعم از محتوا و قالب طرح محفوظ بوده و متعلق به بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی می‌باشد.



جهت اطلاع از برنامه‌های  
ماهنامه قلم به کانال ما  
در پیام‌رسان بله بپیوندید.